

## Critique of a Part of Adel Abdel Moneim Suleim's Arabic Translation of the Novel "School Principal" in the Light of Vinay and Darbelnet

Ali Akbar Noresideh\* 

Assistant Professor, Department of  
Arabic Language and Literature, Semnan  
University, Semnan, Iran

Masoud Salmani Haghighi 

Master of Arabic Translation, Semnan  
University, Semnan, Iran

### Abstract

Analysis and investigation of translation quality have long been taken into consideration. Various methods have been proposed by theorists and linguists to critique the translation of texts from Arabic into Persian and vice versa. One of the methods presented in the field of translation criticism is Vinay and Darbelnet's model. This article raises two questions: How is the translation of Adel Abdel Moneim Suleim evaluated based on the Vinay and Darbelnet model, and which of the components of Vinay and Darbelnet is most used in the translation? In this research, using a descriptive-analytical method, a part of Adel Abdel Moneim Suleim's Arabic translation of Jalal Al-Ahmad's School Principal novel is examined based on the Vinay and Darbelnet model, and the quality and method of interpretation of this novel are evaluated by the translator. The result shows that the translator paid more attention to the elements of the target language in translating the selected samples. Also, in some cases, the translator ignores the transmission of the message and content of the original language to the target language and relies on direct and lexical translation, which may be due to the translator's insufficient knowledge of some cultural components and the basic foundations of the source language.


**Keywords:** School Principal Novel, Vinay and Darbelnet Model, Adel Abdul Monem Soleilm, Translation Criticism.


---

\* Corresponding Author: noresideh@semnan.ac.ir

**How to Cite:** Noresideh, A. A., Salmani Haghighi, M. (2021). Critique of a Part of Adel Abdel Moneim Suleim's Arabic Translation of the Novel "School Principal" in the Light of Vinay and Darbelnet. *Translation Researches in the Arabic Language & Literature*. 11 (24). 271-298. doi: 10.22054/rctall.2021.62692.1577.

## نقد ترجمه عربی عادل عبد المنعم سویلم از رمان «مدیر مدرسه» در پرتوی نظریه وینه و داربلینه

علی اکبر نورسیده\*  استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

مسعود سلمانی حقیقی  کارشناسی ارشد مترجمی عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

### چکیده

تحلیل و بررسی کیفیت ترجمه از دیرباز مورد توجه بوده است. برای نقد ترجمه متون از عربی به فارسی و برعکس شیوه‌های مختلفی از سوی نظریه‌پردازان و زبان‌شناسان مطرح شده است. یکی از روش‌های ارائه شده در حوزه نقد ترجمه، مدل وینه و داربلینه است. در این جستار به دنبال ارزیابی چگونگی ترجمه عادل عبدالمنعم سویلم براساس مدل وینه و داربلینه بودیم و اینکه کدام‌یک از مؤلفه‌های این نظریه در این ترجمه بیشتر به کار رفته است. بر این اساس با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با آمارگیری، بخشی از ترجمه عربی عادل عبدالمنعم سویلم از رمان مدیر مدرسه اثر جلال آل‌احمد با تکیه بر مدل وینه و داربلینه مورد بررسی قرار گرفته و کیفیت و روش تعریف این رمان توسط مترجم شد. نتیجه نشان داد مترجم در ترجمه نمونه‌های انتخابی بیشتر به عناصر زبان مقصد توجه داشته است. همچنین در برخی از موارد از انتقال پیام و محتوای زبان اصلی به زبان مقصد چشم‌پوشی کرده و متکی به ترجمه مستقیم و لغوی شده که این امر ممکن است ناشی از شناخت ناکافی مترجم از برخی مؤلفه‌های فرهنگی و پایه‌های اساسی زبان مبدأ باشد.

کلیدواژه‌ها: رمان مدیر مدرسه، مدل وینه و داربلینه، عادل عبدالمنعم سویلم، نقد ترجمه.

## مقدمه

ناقدان ترجمه به طور کلی به دو دسته مبدأگرا و مقصدگرا تقسیم می‌شوند. مبدأگرایان برخلاف مقصدگرایان با اعتقاد سخت به مبحث تعادل و برابری صددرصدی، مترجم را ملزم به پدید آوردن متنی برابر و یا هر چه شبیه‌تر با متن مبدأ از جهت ساختار، محتوا و سبک کرده‌اند، اما مقصدگرایان با رها کردن عناصر و مؤلفه‌های زبان مبدأ به دنبال انتقال پیام و ارائه یک ترجمه متناسب با عناصر و مؤلفه‌های زبان مقصد هستند.

از دهه ۱۹۵۰، رویکرد زبان‌شناختی متفاوتی جهت تحلیل ترجمه ظهور کرد که فهرست یا دسته‌بندی‌های مفصلی برای طبقه‌بندی فرآیند ترجمه ارائه داده‌اند (ماندی<sup>۱</sup>، ۱۳۸۹). دسته‌بندی وینه و داربلینه<sup>۲</sup> درخصوص ترجمه، مربوط به دهه ۵۰ قرن بیستم است که یک مدل کلاسیک بوده و تأثیر بسیار گسترده‌ای داشته است (همان). با معرفی پهنه‌های نوین زبان‌شناسی در آغاز قرن بیستم میلادی، کم‌کم توصیف زبان‌های گوناگون بر پایه معیارهای علمی و بی‌طرفانه مورد توجه قرار گرفت و ترجمه‌پژوهان سعی کردند از یافته‌های مطالعات زبان‌شناسی در ترجمه بهره‌گیرند.

نظریه‌های ترجمه به گونه ویژه‌ای به ارزیابی رابطه دو سویه میان زبان‌ها می‌پردازد و به همین دلیل، شاخه‌ای از زبان‌شناسی تطبیقی به‌شمار می‌آید. از این منظر، تمایز مقایسه همزمانی و درون‌زبانی، اعتباری ندارد. تعادل ترجمه‌ای میان زبان‌ها یا لهجه‌هایی مشتمل بر «خویشاوند» یا «غیرخویشاوند» و با هر نوع رابطه متقابل زمانی، مکانی، اجتماعی و غیر از آن برقرار می‌شود و فرآیند ترجمه به انجام می‌رسد.

نظریه وینه و داربلینه درخصوص ترجمه بر پایه پژوهش‌های مقابله‌ای، نگارش شده است. وینه و داربلینه در کتاب خود از دیدگاهی توصیفی، تکنیک‌های گوناگون را که در اختیار مترجم است، معرفی کرده و نشان داده‌اند که واحد ترجمه، واژه نیست. در واقع به باور آن‌ها، ترجمه فرآیندی پیچیده است که در انجام آن، مترجم ناخودآگاه تکنیک‌های گوناگونی به کار می‌گیرد. آن‌ها به طور کلی دو روش مستقیم و غیرمستقیم برای ترجمه برمی‌شمارند که مشتمل بر سه تکنیک «قرض‌گیری، گرت‌برداری و ترجمه تحت‌اللفظی» و دومی شامل چهار تکنیک «تغییر بیان، جابه‌جایی، تعادل و همانندسازی» است.

---

1- Munday, J.

2-Vinay, J.P. Darbelnet, J.

در این مقاله با استفاده از الگوی وینه و داربلینه به بررسی نمونه‌های انتخابی از بخشی از ترجمه عادل عبدالمنعم از رمان مدیر مدرسه اثر جلال آل‌احمد پرداخته شده است. دلیل انتخاب این رمان، ادبی بودن و شگردهای روایی و مفاهیم و بن‌مایه‌های آن است. همچنین این رمان به دلیل شناخت جایگاهی که جلال آل‌احمد در ادبیات داستانی عرب به دست آورده است، اهمیت ویژه‌ای دارد.

رمان مدیر مدرسه اثر جلال آل‌احمد توسط عادل عبدالمنعم سویلم، استادیار بخش زبان‌ها و ادبیات شرقی در دانشگاه عین الشمس قاهره در سال ۲۰۰۱ به زبان عربی ترجمه شده است. شخصیت اصلی این داستان فردی است که در آموزش و پرورش تمام شغل‌ها را کنار می‌زند و بعد از چند سال مربی‌گری، مدیریت مدرسه‌ای در روستا را به عهده می‌گیرد به خیال اینکه کمی از سنگینی بار مسئولیتش کاسته و دغدغه‌اش کمتر می‌شود. از آنجا که بخش‌های مختلف ترجمه از سطح کیفی یکسانی برخوردار بود به منظور حصول نتایج دقیق‌تر به نقد و ارزیابی بخشی از ترجمه بسنده شده است تا به صورت مطلوب‌تری کار مورد ارزیابی قرار گیرد.

#### ۱. پیشینه پژوهش

آهنگر نژاد (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی تطبیقی ترجمه «أصداء السيرة الذاتية» نجیب محفوظ (با تأکید بر نظریه وینه و داربلینه)» به نقد و بررسی بخشی از ترجمه کتاب نامبرده اثر نجیب محفوظ پرداخته و به برخی از لغزش‌های مترجم در ترجمه تعابیر و اصطلاحات اشاره دارد. طاهری و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله «واکاوی ترجمه گرمارودی از نامه امام علی (ع) به مالک اشتر بر پایه راهکارهای هفت‌گانه وینه و داربلینه» نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر را براساس روش وینه و داربلینه مورد بررسی قرار داده است و نتیجه آن نشان می‌دهد گرمارودی از بین روش‌های هفت‌گانه وینه و داربلینه از روش‌های ترجمه مستقیم کمتر بهره جسته است.

نیازی و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله «واکاوی بخشی از ترجمه رمان «الشحاذ» براساس الگوی نظری وینه و داربلینه» با در نظر گرفتن تکنیک‌های مطرح شده در روش وینه و داربلینه به استخراج نمونه‌های تطبیقی از ترجمه کتاب «الشحاذ» نجیب محفوظ که توسط دهقانی با

نام «گدا» ترجمه شده است، پرداخته‌اند تا در نهایت جمع‌بندی‌ای از تکنیک‌های به کار گرفته شده در این ترجمه را ارائه دهند.

حیدری (۱۳۹۸) در مقاله «تغییر بیان و فاخرگویی در ترجمه از فارسی به عربی براساس نظریه وینه و داربلینه» به بررسی روش تغییر بیان در ترجمه فارسی به عربی براساس الگوی وینه و داربلینه پرداخته است و به ضرورت پایبندی به ساختارهای زبان مبدأ و انتقال پیام در متن مقصد توسط مترجم اشاره دارد.

شهبازی و پارسایی پور (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی تعریف داستان «شاه و کنیزک» مثنوی با تکیه بر الگوی وینه و داربلینه (موردپژوهی: مقایسه ترجمه منظوم هاشمی و جواهری)» داستان «شاه و کنیزک» را با تکیه بر هفت راهبرد ترجمه وینه و داربلینه مورد ارزیابی قرار داده است و نتایج آن نشان می‌دهد که تعریف جواهری به دلیل بهره‌گیری پربسامد از الگوهای ترجمه مستقیم و به طور ویژه ترجمه لغوی به متن مبدأ نزدیک‌تر است.

با توجه به اینکه تاکنون تعداد بسیار کمی از رمان‌ها و داستان‌های فارسی ترجمه شده به زبان عربی براساس الگوی وینه و داربلینه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین، نگارش این مقاله با انتخاب ترجمه عربی از رمان «مدیر مدرسه» و با بهره‌گیری از الگوی بیان شده، بیانگر اهمیت به کارگیری انواع مدل‌ها و روش‌های ترجمه خصوصاً مدل وینه و داربلینه است.

## ۲. پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به پاسخ برای دو پرسش زیر است:

- براساس مدل وینه و داربلینه ترجمه عادل عبدالمنعم سویلم چگونه ارزیابی می‌شود؟
  - کدام‌یک از هفت مؤلفه وینه و داربلینه در ترجمه مورد مطالعه بیشتر کاربرد دارد؟
- در راستای دو پرسش بیان شده، دو فرضیه نیز مطرح شده است که عبارتند از:
- به نظر می‌رسد ترجمه مدنظر بیشتر با ذوق و رویکرد شخصی مترجم به انجام رسیده است که این امر نیازمند بررسی بیشتر براساس مدل مورد مطالعه در این مقاله است.
  - از ظاهر ترجمه چنین برمی‌آید که روش‌هایی چون قرض‌گیری بیشتر در این ترجمه استفاده شده است.

### ۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به اهمیت نقد ترجمه و نیاز مترجمان و ادیبان در این جستار تلاش شده تا با استفاده از الگوی ارزیابی وینه و داربلینه بخشی از تعریب عادل عبدالمنعم از رمان مدیر مدرسه بررسی و تحلیل و میزان تأثیر به کارگیری این عناصر و مؤلفه‌ها در انتقال پیام و محتوای متن اصلی به متن مقصد مورد ارزیابی قرار گیرد. چنین موضوعی می‌تواند مترجمان را با الگوها و مدل‌های ترجمه آشنا کرده و زمینه‌ی ارائه ترجمه‌های مناسب را فراهم کند. نمونه‌های انتخابی از متن ترجمه عربی عادل عبدالمنعم سویلم از رمان مدیر مدرسه به دلیل دارا بودن قابلیت بررسی و تطبیق مؤلفه‌های ترجمه وینه و داربلینه روی آن‌ها و نیز چالش برانگیز بودن، برگزیده شده‌اند.

در این جستار با به کارگیری روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از شیوه آمارگیری، بخشی از ترجمه بیان شده از رمان مدیر مدرسه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. بدین صورت که ابتدا مثال‌های انتخاب شده از ترجمه با عناصر و مؤلفه‌های وینه و داربلینه مطابقت داده شده، سپس کیفیت آن‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در پایان میزان به کارگیری این عناصر در ترجمه، آمارگیری و به صورت نمودار نشان داده می‌شود.

### ۴. معرفی رمان مدیر مدرسه و ترجمه عربی آن

جلال آل‌احمد، نویسنده و مترجم معروف و شهیر ایرانی، رمان مدیر مدرسه را با نثری ساده و عامیانه به عنوان اولین رمان صاحب سبک خود نگاشت. این رمان که حاصل تجربه شخصی جلال آل‌احمد در سال‌ها تدریس او به عنوان معلم است، بازگوکننده فضای آموزشی کشورمان در زمان نویسنده است. مدیر مدرسه، نماینده معلمان و مدیران و فرهنگیان است که سال‌ها با زحمت و کوشش فراوان، سعی در آموزش سواد و علم به شاگردان بهت زده کلاس‌شان دارند. آل‌احمد این کتاب را که به عنوان اولین رمان صاحب سبک و متفاوت خود به رشته تحریر درآورده به شکلی متفاوت‌تر از سایر نوشته‌هایش به بررسی نابسامانی‌ها و ناشنیده‌های محیط آموزشی کشور می‌پردازد. در واقع آل‌احمد همچون یک جراح زبردست و آگاه، دست بر نقطه جراحی فضای حاکم بر محیط آموزشی می‌نهد و سعی دارد آن را درمان کند. مدیر مدرسه نه تنها حرف دل بسیاری از فرهنگیان جامعه است، بلکه نشان‌دهنده بسیاری از کمبودها و کاستی‌هایی است که سال‌ها گریبان‌گیر معلمان و

دانش آموزان بوده است. این رمان در سال ۲۰۰۱ توسط عادل عبدالمنعم سویلم، استادیار بخش زبان‌ها و ادبیات شرقی در دانشگاه عین الشمس قاهره به زبان عربی ترجمه شده است.

### ۵. مدل ارزیابی وینه و داربلینه در ترجمه

وینه و داربلینه تحلیل سبک شناختی تطبیقی میان زبان فرانسه و زبان انگلیسی را انجام دادند. آن‌ها متون را در دو زبان بررسی کرده و به تفاوت میان زبان‌ها توجه کرده، راهبردهای متفاوت ترجمه و روندها را شناسایی کردند. کتاب سبک‌شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی آن‌ها (۱۹۵۸) صرفاً براساس زبان فرانسه و انگلیسی است با این حال تأثیر آن بسیار گسترده بوده است (ماندی، ۱۳۸۹). وینه و داربلینه با کاربرد بسیار قرض‌گیری، گرت‌برداری، جابه‌جایی، تعادل و تغییر بیان و همچنین براساس ساختار زبان فرانسوی، روش‌های ترجمه خود را بنا نهادند. آن‌ها در نظریه خود از پایان‌نامه جورج پانتون<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۵۴ نوشته شده، استفاده می‌کنند. در آن پایان‌نامه، جابه‌جایی یکی از اصول مهم در ترجمه به حساب می‌آید. این دو به روشنی بیان می‌کنند که اصطلاح تغییر بیان را از پژوهشگری به نام پانتون گرفته‌اند. بنابراین، آن‌ها زبان‌شناسانی هستند که به دلیل برنامه‌های کاربردی خود و ضرورت آموزش مترجمان و توسعه مطالعات ترجمه به دقت زبان‌ها را مورد بررسی قرار دادند (نیازی و دیگران، ۱۳۹۸).

دو راهبرد کلی ترجمه تعیین شده توسط وینه و داربلینه عبارت است از ترجمه مستقیم و ترجمه غیرمستقیم، که به تقسیم‌بندی تحت‌اللفظی در مقابل آزاد برمی‌گردد. استفاده از روش‌های متناسب با ترکیب عناصر زبان مبدأ را ترجمه مستقیم و استفاده از روش‌های متناسب با عناصر یا فرهنگ زبان مقصد را ترجمه غیرمستقیم می‌گویند (همان). اگر ترجمه به زبان مبدأ نزدیک باشد، مترجم الگوی زبان مقصد را رها کرده و برعکس؛ یعنی اگر در ترجمه معیارهای ضمنی (غیرمستقیم) مورد استفاده قرار گیرد در این صورت ترجمه به زبان مقصد نزدیک شده است. در مقایسه دو تکنیک مستقیم و غیرمستقیم، وینه و داربلینه بر روش‌های ترجمه مستقیم مانند ترجمه لغوی بسیار تأکید دارند و راهکار آن را ترجیح می‌دهند (شهبازی و پارسایی پور، ۱۳۹۹).

---

1- Panton, J.

ترجمه از نظر وینه و داربلینه به صورت هفت مؤلفه «قرض گرفتن، گرده برداری، ترجمه تحت‌اللفظی، تغییر مقوله، تغییر معنایی، معادل‌یابی و تطبیق» تعریف می‌شود (ماندی، ۱۳۸۹). هر کدام از این مؤلفه‌های تعریف خاص خود را دارد که در ادامه بیان می‌شود.

### ۵-۱. قرض گرفتن<sup>۱</sup>

قرض گرفتن یا وام‌گیری واژگانی یکی از ابزارهای مورد استفاده در ترجمه است. از نگاه وینه و داربلینه این تکنیک ساده‌ترین روش‌های ترجمه است که اغلب از انگیزه نیاز سرچشمه یافته و ارتباط برون‌زبانی را پدیدار می‌سازد و موجبات غنای زبان می‌شود. این فرآیند، زمانی روی می‌دهد که یک واژه یا اصطلاح عیناً و بی‌هیچ تغییری از زبان مبدأ به زبان مقصد ترجمه و با الفبای زبان مقصد نگاشته شود (شهبازی و پارسایی‌پور، ۱۳۹۹). در اصطلاح‌زبانی از این پدیده اغلب با عنوان واژگان دخیل یاد می‌شود که پس از مدتی این واژگان در فهرست صحیح یا عامیانه بیان می‌شود. بنابراین، هنگامی که زبان مبدأ در قالب واژه یا گروه واژگانی، واقعیت مادی یا انتزاعی را ارائه می‌کند در زبان مقصد وجود ندارد و چشم‌پوشی از آن روشی مناسب در ترجمه است که نتیجه به صورت وام‌گیری درمی‌آید. البته شرط آن است که استعمال واژه مزبور در زبان مقصد تعمیم یابد (نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۳۹۷).

قرض‌گیری معمولاً در دو وضعیت به کار می‌رود: ۱- در زبان مقصد، معادلی برای اشاره به شیء یا مفهوم مبدأ وجود ندارد؛ مانند قبله، حج، تیمم و ۲- در زبان مقصد، معادلی نزدیک وجود دارد، اما مترجم مایل است رنگ و بوی خارجی به ترجمه خود بدهد. مانند: ۱- وضو<sup>۲</sup> و ۲- خمس<sup>۳</sup>.

دلایل عمده قرض‌گیری، ورود پدیده‌های صنعتی و روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، ورود افراد تحصیلکرده از خارج، عوامل جغرافیای و تابوها و برخوردهای نظامی است (عزیز محمدی، ۱۳۸۲).

بررسی روش قرض‌گیری در نمونه‌های انتخابی از تعریب رمان مدیر مدرسه:

---

1. Borrowing  
2- Ablution  
3- The Fifth



آل احمد (۱۳۸۴): «من از این لیسانسه‌های پر افاده نمی‌خواهم»  
عبدالمنعم (۲۰۰۱): «فأنا لا أرى فائدة تُذكرُ في هولاءِ الحاصلينَ على اللِّسانسِ»

آل احمد (۱۳۸۴): «صورت استخوانی و ریش از ته تراشیده و یقه بلند آهار»  
عبدالمنعم (۲۰۰۱): «ذوآجّة منحوتهٌ و ذقنٌ حلیقٌ بشکلِ جیدٍ و یاقّةٌ قمیصٌ عالیةٌ منشأةٌ»

آل احمد (۱۳۸۴): «جاکت و کروات زرد و پهن داشت»  
عبدالمنعم (۲۰۰۱): «یرتدی جاکتَ و رابطةً عنقِ صفراءَ عریضةً»

گاهی یک واژه به دلایل مختلف از زبانی به زبان دیگر وارد شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. این رویکرد باید تا زمانی باشد که برای آن واژه در زبان مقصد معادل و برابرنهادی مناسب و معین وجود نداشته باشد. چنانچه در نمونه‌های ارائه شده ملاحظه می‌شود، عادل عبدالمنعم سویلم واژگانی چون «لیسانس، یقه و جاکت» را با رویکرد قرض‌گیری به زبان عربی ترجمه کرده است. مترجم با وارد کردن عین این واژگان از زبان مبدأ به زبان مقصد (زبان عربی) نسبت به بافت فرهنگی زبان مبدأ پایبند بوده است.

گاهی مواقع قرض‌گیری معادل برخی واژگان در دو زبان مرسوم بوده و استفاده از آن کاربرد دارد. بدین صورت اگر ترجمه فارسی این نمونه‌ها از عربی به فارسی مورد بررسی قرار می‌گرفت عین همان واژگان در زبان فارسی نیز قرض‌گیری می‌شد. این دیدگاه تا زمانی است که نتوان برای واژه مدنظر در زبان مقصد برابرنهاد تعریف شده انتخاب کرد. بنابراین، به کارگیری روش قرض‌گیری با توجه به عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی هر دو زبان می‌تواند به عنوان مسیر ارتباطی میان متن مقصد با متن مبدأ باشد. اما گاهی مترجم فارسی یا عرب‌زبان می‌تواند این مسیر ارتباطی را درهم شکسته به جای افتادن در ورطه قرض‌گیری از عربی‌نویسی یا سره‌نویسی استفاده کند (اسماعیلی طاهری و دیگران، ۱۳۹۶).

عادل عبدالمعتم می‌توانست برای واژگانی نظیر لیسانس، یقه و جاکت به ترتیب از سه واژه «شهادة الإجازة و یاقّة و سترّة» در ترجمه خود استفاده کند تا کمتر دچار قرض‌گرفتنی شود (معروف، ۱۳۸۵). بنابراین، می‌توان گفت در نمونه‌های بیان شده، استفاده از روش قرض‌گیری مناسب نیست، چراکه برای هر کدام از واژگان دخیل از زبان مبدأ به زبان مقصد برابرنهاد و جایگزینی وجود دارد که می‌تواند مترجم را از به کارگیری قرض‌گیری در ترجمه

بی‌نیاز کرده و ترجمه وی را به یک ترجمه روان و شیوا تبدیل کند. قرض‌گیری‌های انجام شده از سوی مترجم به دلیل اشتراکات زبانی رایج میان دو زبان فارسی و عربی صورت پذیرفته است.

گاهی مترجم ناگزیر است در ترجمه خود از روش قرض‌گیری استفاده کند که این موضوع به ترجمه او از لحاظ معنایی لطمه نمی‌زند، چراکه واژگان قرض گرفته شده از یک زبان با زبان دیگر در بسیاری از مواقع اشتراک دارند (اسماعیلی طاهری و دیگران، ۱۳۹۶)، اما بهتر است مترجم هنگام ترجمه یک متن چه به زبان فارسی چه به زبان عربی از نهایت ظرفیت آن واژه و معادل‌هایی که برای آن وجود دارد، استفاده کند تا ترجمه‌اش دلنشین و زیبا به نظر آید.

#### ۵-۲. گرده برداری<sup>۱</sup>

گرده برداری بخش دیگری است که در الگوی وینه و داربلینه در دو گروه واژگانی و ساختاری ارزیابی می‌شود. گرده برداری عبارت است از ترجمه اجزا یا واژه‌هایی که یک ترکیب یا اصطلاح یا حتی جمله‌ای را در زبان بیگانه تشکیل می‌دهند؛ مانند: «او به مذهب امام مالک می‌رفت» که ترجمه جزء به جزء این عبارت عربی به صورت «کان یذهب مذهب الإمام مالک» است (نیازی و دیگران، ۱۳۹۸). در این ترجمه، گفته یا ساخت زبان مبدأ با ترجمه تحت‌اللفظی منتقل می‌شود.

نوعی دیگر از گرده برداری وجود دارد که در آن عبارت بیگانه با حفظ ترتیب اجزای خود وارد زبان وام‌گیرنده می‌شود و به صورت لفظ به لفظ ترجمه می‌شود. آذرنوش بر این باور است «که گرده برداری از قرن پنجم هجری مابین مترجم‌ها و نویسندگانی ایران بسیار رواج یافت. این در حالی است هر چه جلوتر می‌رویم تعداد گرده‌ها بیشتر می‌شود» (آذرنوش، ۱۳۸۸).

پدیده گرده برداری در واقع حد واسط ابداع و وام‌گیری زبانی است که در آن اجزای متشکل یک ترکیب جدا از اجزای ترکیب خارجی ترجمه شده و در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد. برای نمونه واژه «شست‌وشوی مغزی» ترجمه عینی «Brain Washing» انگلیسی است (نجفی، ۱۳۸۱).

---

1. Loantranslation

تفاوت گرت‌برداری با قرض‌گیری در شکل و ساختار زبان مبدأ و مقصد است؛ واژگان و عبارات در قرض‌گیری شبیه یکدیگر است، اما در گرت‌برداری این‌گونه نیست. می‌توان صدها پاره گفته و ترکیب فارسی را یافت که از ترکیب واژه‌های عربی گرت‌برداری شده‌اند. احتمال دارد، ترکیب‌های «ای کاش، و گرنه، بنابراین، شکایت برداشتن و موارد مشابه» به ترتیب از پاره گفته‌های عربی «یا لیت، وإلا، بناءً علی هذا، رفعُ الشکوی» تقلید شده باشد. به باور وینه و داربلینه هم قرض‌گیری و هم گرت‌برداری اغلب به صورت کامل در زبان مقصد تلفیق می‌شوند هرچند گاهی با برخی تغییرات معنایی روبه‌رو هستند که این امر می‌تواند آن‌ها را به واژه‌های هم‌ریشه غیرواقعی تبدیل کند (نیازی و دیگران، ۱۳۹۸)؛ مانند: ۱- آسمان خراش: Sky Scrapper و ۲- هنر برای هنر: Art For Art.

در این بخش عنصر گرت‌برداری در عبارات و واژگان انتخابی از ترجمه عادل عبدالمنعم مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

آل احمد (۱۳۸۴): «ناظم جوان رشیدی بود که با صدای بلند حرف می‌زد»  
عبدالمنعم (۲۰۰۱): «کان سکر تیرُ المدرسه شاباً یافعاً يتحدثُ بصوتٍ عالٍ»

آل احمد (۱۳۸۴): «قرار شد من سر صف نطقی بکنم»  
عبدالمنعم (۲۰۰۱): «وأخبرنی أنه من الأفضل أن ألقى كلمةً أمامَ الطَّابورِ»

آل احمد (۱۳۸۴): «جوانکی بود برپانتین زده با شلوار پاچه تنگ»  
عبدالمنعم (۲۰۰۱): «کان شاباً یصفُّ شعرةً بالکریم یرتدی بنظلاً ضیق الأرجل»

یکی از روش‌های گرت‌برداری آن است که در آن، عبارت یا واژه بیگانه با حفظ ترتیب اجزای خود وارد زبان وام‌گیرنده می‌شود و به صورت لفظ به لفظ ترجمه می‌شود. وینه و داربلینه گرت‌برداری و وام‌گیری را نوعی از هم‌ریشه‌های کاذب می‌دانند که تنها تفاوت این دو روش در انتقال ساختار زبان مبدأ است که تنها در روش گرت‌برداری رخ می‌دهد (وینه و داربلینه، ۱۹۹۵).

در مثال‌های اخیر، مترجم برای برگردان واژگان فارسی «ناظم مدرسه، صف و شلوار» از برابر نهاد و معادلی برگرفته از بیگانه، گرت‌برداری کرده است؛ به این صورت که واژه

«سکرتیر» یک واژه انگلیسی به معنای منشی، مدیر، ناظم و... است که به عنوان معادل برای ناظم مدرسه در ترجمه عادل عبدالمنعم استفاده شده است. واژه «طابور» نیز یک واژه ترکی است که از این زبان وارد زبان عربی شده و مترجم برای ترجمه واژه صف از کلمه «طابور» در زبان مقصد گره برداری کرده است. واژه «بنطال» یا «بنطلون» نیز یک واژه ایتالیایی است که عرب‌ها آن را از زبان انگلیسی نقل کرده و سپس وارد این زبان شده است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت عادل عبدالمنعم برای ترجمه واژه شلوار در زبان عربی از واژه «بنطال» گره برداری کرده است. مترجم می‌توانست از واژگانی که در زبان مقصد برابرهادهای عربی دارند، استفاده کند؛ مانند: «ناظم المدرسه و الصف» (غفرانی و شیرازی، ۱۳۸۹). استفاده از برابرنهاد «السلوار» برای واژه شلوار در فارسی موجب قرض‌گرفتن می‌شد که بهره‌گیری مترجم از دیگر واژه غیرعربی؛ یعنی «بنطال» همان رویه را متبلور می‌سازد. این واژگان، واژگان وام گرفته شده نیز محسوب می‌شوند با این تفاوت که ساختار ظاهری آن‌ها با ساختار ظاهری واژگان زبان مبدأ متفاوت است و شبیه یکدیگر نیستند (نیازی و دیگران، ۱۳۹۸)؛ یعنی در روش قرض‌گیری واژگان هر دو زبان از لحاظ شکلی و ساختاری شبیه یکدیگر بوده و تنها ممکن است از لحاظ آهنگ کلام با هم تفاوت داشته باشند. چنانچه ملاحظه می‌شود مترجم از ساختار دستوری و مؤلفه‌های واژگانی زبان مقصد چشم‌پوشی کرده است و از ترکیب‌های بیگانه در ترجمه خود استفاده کرده است.

از نگاه وینه و داربلینه، هر دو روش قرض‌گیری و گره‌برداری با گذر زمان اغلب در زبان مقصد ادغام شده و به بخشی از عناصر مرسوم آن تبدیل می‌شود. گاه هر دو پدیده با تغییرات معنایی در زبان مقصد روبه‌رو می‌شود که می‌تواند آن را به واژه‌های هم‌ریشه کاذب بدل کند (ماندی، ۱۳۹۴).

### ۳-۵. ترجمه لفظ به لفظ<sup>۱</sup>

یکی دیگر از روش‌های وینه و داربلینه، ترجمه لفظ به لفظ یا ترجمه لغوی است. در این روش اجزای متن اصلی به لحاظ نحوی و معنایی عیناً در زبان مقصد تکرار می‌شوند. در این قسمت کار با ترجمه لفظ به لفظ آغاز می‌شود؛ هر چند بنا به مقتضیات و ساخت ترکیبی زبان مقصد نوعی تعادل صوری میان اجزا دیده می‌شود (شهبازی و پارسایی‌پور، ۱۳۹۹). به اعتقاد

---

1. Literaltranslation

وینه و داربلینه این گونه از ترجمه از برترین شیوه‌های ترجمه است و تا زمانی که نتیجه‌ای رضایت‌بخش به همراه داشته باشد، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، اما آن‌گاه که شیوه لغوی به پیامی بی‌معنا یا نامناسب از نظر ساختاری منجر شود، پرهیز از آن ضروری است. این مسأله به طور خاص در زمینه ترجمه صنایع بلاغی دیده می‌شود و با وجود گذشت چند دهه از ترجمه‌های مثنوی، کماکان ترجمه تحت‌اللفظی از پرطرفدارترین روش‌ها در میان مترجمان بوده است (همان).

در ترجمه تحت‌اللفظی باید پایه الزمات ساختی، فرازبانی و معنا حفظ شود. در این صورت استفاده از آن مانعی ندارد. مترجم می‌تواند ترجمه تحت‌اللفظی را با توجه به دلایل دستوری، نحوی یا کاربرد شناختی، غیرقابل پذیرش بداند. در ترجمه تحت‌اللفظی نیز مترجم واژه‌ها را با یکدیگر جایگزین می‌کند، اما نتیجه کار به خاطر ساختارهای متفاوت دو زبان مبدأ و مقصد ممکن است معنایی متفاوت با زبان اصلی را در زبان مقصد به وجود آورد (معصوم و همکاران، ۱۳۸۹).

وینه و داربلینه معتقدند «ترجمه بین دو زبان هم‌خانواده و هم‌فرهنگ بسیار کاربرد دارد و آن را در ارائه ترجمه مناسب می‌دانند، مگر موقعیت‌هایی که ترجمه لفظ به لفظ معنای دیگر به دست دهد و یا اینکه معنایی نداشته باشد و به دلایل ساختاری ناممکن باشد و با سطح زبان مقصد متفاوت باشد» (وینه و داربلینه، ۱۹۹۵).

باتوجه به اینکه زبان‌های شرقی و غربی مانند عربی و انگلیسی اغلب هم‌خانواده و هم‌فرهنگ نیستند، احتمال دارد به‌کارگیری این تکنیک در مورد آن‌ها به نتایج قابل قبولی منتج نشود (نیازی و دیگران، ۱۳۹۸). برای نمونه:

- Let's Suppose That You are in Position of a Parent.

- اجازه بدهید فرض کنیم که شما در موقعیت یک پدر یا مادر هستید (به جای فرض کنید که شما پدر یا مادر هستید/ خودتان را جای پدر یا مادر بگذارید) (همان).

آل احمد (۱۳۸۴): «دیدم دارم خر می‌شوم»

عبد‌المنعم (۲۰۰۱): «رَأَيْتُ فِي نَفْسِي أُوشِكْتُ أَنْ أَتَحَوَّلَ إِلَى حِمَارٍ»

آل احمد (۱۳۸۴): «به خیر گذشت»

عبد‌المنعم (۲۰۰۱): «مَرَّ الْمَوْقِفُ بِخَيْرٍ وَسَلَامٍ»

آل احمد (۱۳۸۴): «او دندان‌های مرا شمرده بود»  
عبد‌المنعم (۲۰۰۱): «فقد أحصى أسناني بالفعل»

ترجمه تحت‌اللفظی تا زمانی کاربرد دارد که به بافت و معنای متن مبدأ آسیب وارد نکند. در بسیاری از موارد، تعابیر اصطلاحی را باید با توجه به در نظر گرفتن عناصر فرهنگی و چارچوب‌های زبانی تعیین شده زبان مبدأ و مقصد ترجمه کرد. ترجمه تحت‌اللفظی برخلاف وام‌گیری در سطح جمله و ترکیب رخ می‌دهد به صورتی که اگر ترجمه تحت‌اللفظی ارائه شده با فرهنگ و معیارهای زبان مقصد برابر و نزدیک باشد به عنوان یک تکنیک مثبت مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما اگر این نوع ترجمه در انتقال معنا و پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد خلل ایجاد کند و یا با چارچوب‌ها و عناصر فرهنگ زبانی دو زبان مغایر باشد به کارگیری آن باعث برهم خوردن انسجام ترجمه و از بین رفتن معنا و مفهوم مورد نظر می‌شود. چنانچه ملاحظه می‌شود، مترجم واژگان و تعابیر اصطلاحی موجود در زبان فارسی را به صورت تحت‌اللفظی به زبان عربی انتقال داده است و نسبت به معنای ضمنی و عناصر فرهنگی زبان مبدأ پایبند نبوده است. مترجم برای ترجمه واژگان و تعابیر اصطلاحی باید به دستور زبان، واژگان، معانی گوناگون آنها، ریزه‌کاری‌های زبان، اصطلاحات، فرهنگ، آداب و رسوم و اوضاع جغرافیایی، اجتماعی و به ویژه ادبیات، تاریخ و روایات مردم زبان مبدأ آشنا باشد (مجیدی و قشلاقی، ۱۳۹۱).

برای هر کدام از واژگان و تعابیر اصطلاحی موجود در نمونه‌های فوق برابرنهاد و معادل‌های مناسب و معینی وجود دارد که مترجم بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های زبانی و ساختاری در هر دو زبان، اقدام به ترجمه آنها به صورت تحت‌اللفظی کرده است. در مثال نخست عبارت اصطلاحی «خر شدن» در زبان فارسی کنایه از گول خوردن است که این معادل آن به زبان عربی صحیح نیست؛ چرا که عرب‌زبان نمی‌تواند پیام و معنای درست را از متن اصلی برداشت کند. معادل مناسب برای عبارت اصطلاحی «خر شدن» در زبان عربی «لا تکن بسیطاً أو حصيفاً» است (نجفی و میراحمدی، ۱۳۹۵). مترجم واژه «دیدم» را نیز که در این عبارت معنای ثانوی یعنی «احساس کردن» دارد به صورت لفظی و دیدن بصری ترجمه کرده است. به طور کلی برابرنهاد و معادل مناسب برای عبارت اصطلاحی بیان شده در زبان مقصد «شَعَرْتُ بَأَنِّي صِرْتُ حَصِيفاً (بسیطاً)» است. در دومین مثال، مترجم تلاش کرده تا

عبارت «به خیر گذشتن» را به صورتی ترجمه کند که هم به زبان مبدأ نزدیک باشد و هم به زبان مقصد، چراکه این عبارت در زبان مقصد «به صورت مَرَّ بِخَيْرٍ أَوْ مَرَّ بِسَلَامٍ» (همان) کاربرد داشته و در انتقال پیام و معنای آن در زبان مقصد خللی وارد نمی‌شود. در مثال سوم، اصطلاح دندان کسی را شمردن در زبان فارسی به معنای دست کسی را خواندن یا کسی را به خوبی شناختن است که معادل آن در زبان عربی «عَرَفَهُ كَمَالَ الْمَعْرِفَةِ أَوْ فَهَمَ مَا فِي خَلْدِهِ» است (همان). اما مترجم این اصطلاح را به صورت لفظی در زبان مقصد ترجمه کرده است بدون اینکه به معنای آن در زبان مبدأ از لحاظ فرهنگی و زبانی توجه داشته باشد.

ترجمه‌های لفظی ارائه شده از سوی مترجم برای نمونه‌های ارائه شده باعث عدم انتقال معنای اصلی از زبان مبدأ به زبان مقصد شده است، چراکه ترجمه لفظی از واژگان و تعبیر اصطلاحی باعث انتقال پیامی بی‌معنا و نامناسب می‌شود و مترجم باید در ترجمه واژگان و تعبیر اصطلاحی از برابر نهادی استفاده کند که با چارچوب‌های زبانی و مؤلفه‌های فرهنگی زبان مبدأ برابر باشد تا بتواند معنای آن‌را به درستی انتقال دهد. به عبارت دیگر، مترجم هم باید به ساختارهای زبان مبدأ و مقصد تسلط داشته باشد و هم در جایگزین ساختن معادل‌های متناظر برای آن‌ها ارزش و نقش ارتباطی آن‌ها را مدنظر قرار دهد؛ زیرا اگر چنین کاری انجام نشود، باعث می‌شود متن ترجمه به اصطلاح بوی زبان مبدأ داشته باشد (مجیدی و قشلاقی، ۱۳۹۱).

با توجه به معادل‌های لفظی و نادرست مترجم برای دو اصطلاح «رَأَيْتُ نَفْسِي أَنْ أَتَحَوَّلَ إِلَى حِمَارٍ وَأَحْصَى أَسْنَانَهُ» معنای کاربردی و اصلی این دو اصطلاح در زبان مقصد دریافت نمی‌شود، چراکه مترجم در انتقال محتوا و لایه‌های معنایی این دو اصطلاح ناموفق بوده است و این امر به دلیل استفاده از روش ترجمه تحت‌اللفظی است و عدم توجه به نقش‌های ارتباطی دو زبان باعث برهم خوردن شیوایی و رسایی کلام شده است.

#### ۴-۵. تغییر مقوله (جابه‌جایی)<sup>۱</sup>

در الگوی وینه و داربلینه، سه مؤلفه ترجمه مستقیم که به آن‌ها اشاره شد، پاسخگوی ارزیابی کامل ترجمه نیست. از این جهت، ترجمه در سطح بالاتری؛ یعنی مؤلفه‌های ترجمه غیرمستقیم مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرآیند تغییر مقوله یا جابه‌جایی یا تغییر صورت به معنای تغییر عناصر متن مبدأ در متن مقصد است (شهبازی و پارسایی‌پور، ۱۳۹۹). جابه‌جایی می‌تواند

1- Transposition

اجباری و یا اختیاری باشد. مترجم باید براساس اینکه مفهوم جمله چگونه بهتر منتقل می‌شود، تصمیم بگیرد که آیا در بخشی از جمله جابه‌جایی صورت دهد یا این که اجازه دهد نکته‌های سبکی دقیق و ظریف ویژه دست نخورده باقی بماند.

وینه و دارلینه جابه‌جایی را احتمالاً به عنوان متداول‌ترین تغییر ساختاری انجام گرفته توسط مترجمان در نظر می‌گیرند (ماندی، ۱۳۸۹). برای نمونه می‌توان به مثال زیر اشاره کرد:

#### - In the Absence of Definite Information.

- در مواردی که اطلاعات قطعی در اختیار ندارید یا در غیاب اطلاعات قطعی.

واژه‌ای که در زبان مبدأ زیر آن خط کشیده شده در هر دو ترجمه به صورت جمع ترجمه شده است، اما در ترجمه نخست، جمله به صورت مفرد و در ترجمه دوم همان شکل مبدأ حفظ شده است.

آل احمد (۱۳۸۴): «آرام و مثلاً خالی از عصبانیت گفت»

عبدالمنعم (۲۰۰۱): «قَالَ فِي هُدُوٍّ لَا يَخْلُو مِنْ عَصَبِيَّةٍ»

آل احمد (۱۳۸۴): «نشانی مدرسه را دستم دادند که بروم و ارسی»

عبدالمنعم (۲۰۰۱): «أَعْطَيْتَنِي عُنْوَانَ إِحْدَى الْمَدَارِسِ كَيْ أَذْهَبَ إِلَيْهَا وَأُعَانِيَهَا»

آل احمد (۱۳۸۴): «با شاگردهای درشت روی هم ریخته بود»

عبدالمنعم (۲۰۰۱): «كَانَ عَلَيَّ اتِّفَاقٍ ضَمِنِيَّ مَعَ كِبَارِ التَّلَامِيذِ»

جابه‌جایی همان تغییر شکل و ظاهر کلام است که به شیوه‌های مختلف در ترجمه پدیدار می‌شود و هر مترجمی در ترجمه خود از این روش استفاده می‌کند. به نقل از هاوس<sup>۱</sup> «موارد بسیاری وجود دارند که در آن‌ها مترجم باید مرتب به تبدیل‌های ترجمه‌ای دست بزند. این موارد شامل دور شدن از تناظر صوری در فرآیند حرکت از یک زبان به زبان دیگر با استفاده از تغییر دادن دستور زبان و واژگان می‌شود» (هاوس، ۱۳۸۸). جابه‌جایی‌های صورت گرفته توسط مترجم مورد مطالعه ما بیشتر در سطوح جزئی رخ داده و به محتوا و ساختار متن مبدأ و مقصد آسیبی وارد نکرده است. همان طور که از نمونه‌های اخیر ملاحظه می‌شود، مترجم

1- House, J.



در مثال اول، ترکیب اسمی و مثبت را در قالب فعل منفی «لایخلو من العصبية» بیان کرده است که این انتخاب لفظمدارانه معنای درستی از مفهوم عبارت متن اصلی در ترجمه ارائه نداده است، چراکه در انتقال معنای مثبت از معنای منفی «لا» بهره جسته است؛ به همین دلیل از نگاه وینه و داربلینه گاه «ترجمه تحت اللفظی یا حتی جابه‌جایی منتج به گفته دستوری صحیحی می‌شود، اما آن ترجمه در زبان مقصد نامناسب محسوب می‌شود (ماندی، ۱۳۹۴).

در مثال دوم، مترجم ترکیب اسمی و مصدری «وارسی» را در قالب فعل «أعاینها» ترجمه و تبدیل کرده است. در مثال سوم، ترکیب فعلی «روی هم ریختن» در زبان مقصد با ترکیب مصدری «اتفاقاً ضمنی» جابه‌جا شده و مترجم با جایگزین کردن مصدر در زبان مقصد به جای فعل در زبان مبدأ از روش جابه‌جایی بهره برده است. تغییر صورت دستوری واژگان و عبارات زبان مبدأ در زبان مقصد تنها در دو مورد با توجه به ساختار، مؤلفه‌ها و چارچوب‌های زبانی زبان مقصد و نقش ارتباطی میان دو زبان به انتقال بهتر مفهوم کلام کمک کرده است. استفاده از روش جابه‌جایی در ترجمه به میزان تعهد و تصمیم‌گیری مترجم در قبال متن اصلی برمی‌گردد. این جابه‌جایی گاه از این روست که ساختار مشابهی در زبان مقصد وجود نداشته و مترجم برای احتراز از ارائه عبارتی ناملموس، ناگزیر از آن است (شهبازی و پارسایی‌پور، ۱۳۹۸).

#### ۵-۵. تغییر معنایی<sup>۱</sup> (تغییر بیان یا تلفیق)

وینه و داربلینه تغییر معنایی (تغییر بیان یا تلفیق) را باعث تغییر در معناشناسی و زاویه دید در زبان مبدأ می‌دانند که می‌تواند مانند الگوی جابه‌جایی اجباری یا اختیاری باشد. تغییر بیان، رویه‌ای است که زمانی محقق می‌شود که ترجمه تحت اللفظی و یا حتی جابه‌جایی به گفته دستوری درستی منجر شود، اما آن ترجمه در زبان مقصد نامناسب به‌شمار آید. وینه و داربلینه بسیار به تغییر بیان به عنوان سنگ محک یک مترجم شایسته، اهمیت می‌دهند (ماندی، ۱۳۸۹). اساس این روش در ترجمه از تفاوت نظام زبانی و گفتمانی زبان‌ها شکل می‌گیرد. منظور از تلفیق «تعدیل، تغییر یا دست‌کاری در صورت زبان مبدأ هنگام قالب‌ریزی آن در زبان مقصد و با هدف انتقال بهتر پیام به مخاطب است و تفاوت‌های فرهنگی دو زبان و فاصله

زمانی نوشتن اثر و ترجمه آن نیز از عوامل مهم در تعیین میزان تغییر بیان به‌شمار می‌رود (صحرائی‌نژاد، ۱۳۸۹).

به طور کلی، ایجاد تغییر در مؤلفه‌های ترجمه غیرمستقیم به تغییر معنا منجر می‌شود، اما باید توجه کرد که تغییر معنا به تغییر ایده و مفهوم منجر نشود (اسماعیلی طاهری و دیگران، ۱۳۹۷).  
 وینه و داربلینه به ۱۰ زیرمجموعه درخصوص تغییر بیان در سطح پیام اشاره می‌کنند:  
 ۱- تبدیل پاره گفته‌ای با دو جزء منفی‌ساز به پاره گفته مثبت و برعکس، ۲- بیان جزء به جای کل، ۳- تبدیل وجه مجهول به معلوم و برعکس، ۴- استفاده از اسم معنی به جای اسم ذات، ۵- بیان علت به جای معلول، ۶- بیان جزئی به جای جزئی دیگر، ۷- جابه‌جا کردن واژه‌ها، ۸- استفاده از اسم مکان به جای اسم زمان، ۹- تغییر نماد و ۱۰- پر کردن خلأ ارتباطی میان دو فرهنگ (خزاعی‌فر، ۱۳۷۰).

یکی دیگر از روش‌های وینه و داربلینه در ترجمه، روش تغییر معنایی یا تغییر بیان است. تغییر بیان زمانی کاربرد دارد که محتوا و ساختار متن اصلی و نیز ایده اصلی پیام به درستی به متن مقصد منتقل شود (ماندی، ۱۳۹۴).

آل‌احمد (۱۳۸۴): «از عهده همه شان بر می‌آمد»

عبدالمنعم (۲۰۰۱): «لَا يَحْسِبُ حِسَاباً لَأَيِّ مِنْهُمْ»

آل‌احمد (۱۳۸۴): «اول بسم الله و مته به خشاش»

عبدالمنعم (۲۰۰۱): «بِسْمِ اللَّهِ فِي الْبِدَايَةِ ثُمَّ عَلَى الدُّنْيَا السَّلَامُ!»

آل‌احمد (۱۳۸۴): «فهمیده بود در مدرسه هیچ کاره‌ام»

عبدالمنعم (۲۰۰۱): «فَهُمْ وَضَعِي جَيِّدًا فِي الْمَدْرَسَةِ»

ممکن است مترجم از گفته و عباراتی که دارای ساختار دستوری درستی در متن مقصد هستند، استفاده کند، اما به دلیل عدم انتقال صحیح معنا و نیز عدم توجه به ساختار متن اصلی و عناصر تعریف شده برای آن، این روش بدون فایده خواهد بود. با بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت مترجم در مثال اول پاره گفته مثبت «از عهده همه‌شان بر می‌آید» را با دو پاره گفته منفی «لَا يَحْسِبُ حِسَاباً لَأَيِّ مِنْهُمْ» در زبان مقصد انتقال داده است که به نوعی

می‌توان گفت از یکی از زیرمجموعه‌های تغییر بیان براساس نظر وینه و داربلینه استفاده کرده است. در مثال نخست با تغییر معنای مثبت کلام به معنای منفی مقصود و پیام اصلی کلام در هر دو زبان تغییر نکرده است، چراکه در هر دو متن، مقصود همان از عهده کار یا شخص بر آمدن و اهمیت ندادن به سختی کار و دیگران است.

در مثال دوم، عبارت اصطلاحی «مته به خشخاش گذاشتن» را که در زبان فارسی به معنای سخت‌گیری بیش اندازه در امور است با برابر نهاد «علی الدنيا السلام» به عربی ترجمه کرده است. به نوعی مترجم برای پر کردن خلأ عدم آشنایی با فرهنگ زبان مبدأ، برابرنهادی نابرابر و نامناسب با این اصطلاح را در ترجمه خود به کار برده و باعث ایجاد تغییر در معنای ضمنی و پیام این عبارت اصطلاحی شده است. به نوعی مترجم از زیرمجموعه‌های تغییر بیان از نگاه وینه و داربلینه جهت انتقال معنای عبارت متن مبدأ به متن مقصد استفاده نکرده است. تغییر بیان به مترجم کمک می‌کند معنی و دیدگاه نویسنده متن مبدأ را تغییر داده و به زبانی گویاتر بیان کند؛ به شرط آنکه ایده اصلی انتقال یابد. در صورت عدم انتقال ایده، استفاده از این روش کارساز نخواهد بود (اسماعیلی طاهری و دیگران، ۱۳۹۶).

به نظر می‌رسد مترجم عبارت «علی الدُّنْیا السَّلَامُ» را به اشتباه برای اصطلاح «مته به خشخاش گذاشتن» به کار برده است. این عبارت اصطلاحی در لفظ به معنای «بر دنیا سلام باد» است. این اصطلاح در فرهنگ زبان فارسی کنایه از فاتحه کاری را خواندن، به پایان رساندن و یادست کشیدن از کاری است که در عربی به صورت «التَّشَدُّدُ فی الْأُمُورِ یا التَّرَمُّتُ فی الْأُمُورِ» به کار برده می‌شود (نجفی و میراحمدی، ۱۳۹۵).

در مثال سوم نیز مترجم در دریافت معنای حاصل از متن اصلی با اشتباه مواجه شده است و به جای بیان وضعیت هیچ‌کاره بودن از خوب بودن وضعیت معلم در زبان مقصد سخن گفته است و این امر باعث تغییر پیام و محتوای متن مبدأ شده است. به عبارت دیگر، مترجم همانند مثال دوم بدون تکیه بر زیرمجموعه‌های ارائه شده برای مقوله تغییر بیان توسط وینه و داربلینه اقدام به ترجمه عبارت کرده است. به طور کلی، می‌توان گفت مترجم در مثال‌های دوم و سوم در متبلور ساختن مقوله تغییر بیان ناموفق بوده و بدون در نظر گرفتن فاکتورهای تغییر بیان با آوردن معادل و ترجمه نادرست در زبان مقصد اقدام به تغییر معنای متن اصلی کرده و به دنبال آن ایده زبان مبدأ را نیز تغییر داده که این امر با هدف بیان شده برای این روش مغایر است. عدم تناسب معادل‌های انتخاب شده برای مثال‌های دوم و سوم می‌تواند

ناشی از ضعف مترجم در یافتن معادل در زبان مقصد و عدم توجه به معنای بافتی کلمات در زبان مبدأ باشد.

#### ۵-۶. معادل‌یابی (تبادل)

یکی دیگر از روش‌های ترجمه از نظر وینه و داربلینه تبادل یا معادل‌یابی است. آن‌ها این اصطلاح را برای اشاره به مواردی به کار می‌برند که زبان‌ها موقعیت یکسان را با ابزار ساختاری یا سبکی گوناگونی توصیف می‌کنند (ماندی، ۱۳۹۴). در این روش به جای ترجمه یک جمله یا عبارت، معادل آن در زبان مقصد بیان می‌شود، چراکه برخی از عبارات با استفاده از روش تحت‌اللفظی یا گرده‌برداری، قابل ترجمه نیست. بنابراین، باید معادل آن‌را در زبان مقصد جست و جو کرد (وینه و داربلینه، ۱۹۹۵). مانند:

#### - Practice Makes Perfect

- کارنیکو کردن از پر کردن است.

در این بخش الگوی تبادل معادل‌یابی در نمونه‌های انتخابی از ترجمه عربی رمان مدیر مدرسه مورد مذاقه قرار می‌گیرد:

آل احمد (۱۳۸۴): «لابد كَلِهْ اَش بُوِي قورمه سبزی می‌داده»

عبدالمنعم (۲۰۰۱): «مِنَ الطَّبِيعِي أَن تَفُوحَ مِنْ مَلَابِسِهِ الْآنَ رَائِحَةُ الْعَدَسِ»

آل احمد (۱۳۸۴): «حتما كاسه‌ای زیر نیم کاسه است»

عبدالمنعم (۲۰۰۱): «فَإِنَّ الْمَوْضِعَ يَحْتَاجُ إِلَى إِعَادَةِ النَّظَرِ»

آل احمد (۱۳۸۴): «مردم حق دارند جایی بخوابند که آب زیریشان نرود»

عبدالمنعم (۲۰۰۱): «إِنَّ النَّاسَ لَهُمُ الْحَقُّ كُلُّ الْحَقِّ فِي أَنْ يَنَامُوا عَلَى الْجَانِبِ الَّذِي يُرِيحُهُمْ»

در هر زبان تعابیر و اصطلاحاتی وجود دارد که هر کدام از آن‌ها دارای معادل و برابر نهاد است و مترجم برای یافتن معادل تعابیر اصطلاحی در زبان مقصد باید از ترجمه لفظی آن‌ها فراتر رفته و با در نظر گرفتن بافت و عناصر فرهنگی زبان مبدأ و مقصد اقدام به جایگزین

کردن معادل برای تعابیر اصطلاحی کند. با بررسی نمونه‌های ذکر شده از رمان مدیر مدرسه، می‌توان دریافت که مترجم از میان ۳ مورد تنها یک مورد را با توجه به ساختار و شاخصه‌های تعریف شده برای زبان مبدأ و مقصد در خصوص تعابیر اصطلاحی و کنایات به درستی ترجمه و معادل‌یابی کرده است و دو مورد دیگر را به صورت لفظی و بدون در نظر گرفتن ساختار زبانی متن اصلی و مقصد در ترجمه خود بازتاب داده است. در مثال اول، عبارت اصطلاحی «کله‌اش بوی قورمه سبزی می‌دهد» در فرهنگ زبان فارسی کنایه از سری است که به علت حرف‌های درشت و دنبال شر بودن مستحق بر باد رفتن است. منشأ این اصطلاح سخیف آن است که افراد سیاسی در خطر زندانی شدن و به قتل رسیدن بودند؛ بنابراین، کسی که در معقولات دخالت می‌کرد، خود را به خطر مرگ دچار می‌کرد و بازماندگانش پس از او باید مجلس تذکر برپا دارند و قورمه سبزی به مهمانان بدهند؛ مانند اصطلاح «بوی حلوایش می‌آید» در حق افرادی که سن آن‌ها بسیار بالاست<sup>۱</sup>.

مترجم این اصطلاح را به صورت تحت‌اللفظی در زبان مقصد ترجمه کرده است که این امر با پیام و محتوای تعبیر اصطلاحی بیان شده در زبان فارسی تفاوت دارد. همان گونه که قبلاً ذکر شده برای ترجمه تعابیر اصطلاحی و کنایات نمی‌توان از ترجمه لفظی استفاده کرد و باید معادل و برابر نهاد متناسب با آن را بر پایه چارچوب‌های زبانی، فرهنگی، اجتماعی و عمومی در زبان مقصد پیدا کرد (مجیدی و قشلاقی، ۱۳۹۱).

باتوجه به بافت متن اصلی، برابر نهاد مناسب برای این اصطلاح در زبان عربی «الباحث عن الشر أو كثیر الشجار» است (نجفی و میراحمدی، ۱۳۹۵). در مثال سوم نیز مترجم مجدداً از روش گزیده‌برداری برای معادل‌یابی تعابیر یادشده بهره جسته است. گزیده‌برداری تا زمانی امکان‌پذیر است که به بدنه و پیام حاصل از متن اصلی در زبان مقصد آسیبی وارد نشود. به نظر گزیده‌برداری مترجم برای این دو اصطلاح مانع از انتقال پیام و معنای ضمنی کلام از متن مبدأ به متن مقصد شده است، چراکه مفهوم «کاسه‌ای زیر نیم کاسه بودن» و «خوابیدن در جایی که آب زیر آن نرود» در زبان فارسی با آنچه مترجم در زبان عربی ارائه کرده است، تفاوت دارد. «کاسه‌ای زیر نیم کاسه بودن» در فرهنگ زبان فارسی به معنای انجام کاری در خفا است. به عبارت دیگر، نیرنگ و فریبی در کار است. برابر نهاد مناسب برای این عبارت در زبان عربی «تَحْتَ السَّوَاهِي الدَّوَاهِي أَوْ تَحْتَ هَذَا الْكَبْشِ نَبْشٌ أَوْ شَيْءٌ مَا يَدْبُرُ يُدْبَرُ وَرَاءَ

الکوالیس» است (همان). خوابیدن در جایی که آب زیر آن نرود در زبان فارسی حکایت احتیاط و زرنگی دارد که مترجم با استفاده از روش گرت‌برداری آن را به زبان عربی ترجمه کرده است.

#### ۵-۷. تطبیق (هماندسازی)<sup>۱</sup>

پیشنهاد راهبردی دیگر وینه و دارلیننه برای ترجمه، تطبیق یا همان هماندسازی است که در معادل‌یابی واژگانی یا واحدهای بزرگ‌تر از آن روی می‌دهد. از نگاه این دو زبان‌شناس، این زیر گروه، افراطی‌ترین روش ترجمه است. روندی که توسط آن یک مفهوم ویژه با دیدگاه خاص زبان مقصد هماهنگ می‌شود. در چنین مواردی مترجمان مجبورند معادلی مشابه را برای بیان مقصود به کار گیرند (شهبازی و پارسایی‌پور، ۱۳۹۹). زمانی که موقعیتی در فرهنگ زبان مبدأ در فرهنگ زبان مقصد وجود ندارد از تغییر مرجع فرهنگی استفاده می‌شود. برای مثال، پیشنهاد وینه و دارلیننه آن است که ممکن است معنای تلویحی، فرهنگی و ارجاعی به بازی کریکت در متنی انگلیسی را به ارجاع به مسابقات تور فرانسه به بهترین وجه به زبان فرانسه ترجمه کرد (ماندی، ۱۳۹۴). مانند نمونه زیر:

- او مثل ماه بود

Beautiful - She was

نمونه‌های انتخابی از ترجمه عربی رمان مدیر مدرسه جهت ارزیابی مؤلفه هماندسازی به این شرح هستند:

آل احمد (۱۳۸۴): «قضیه حل شد»

عبدالمنعم (۲۰۰۱): «فهمتُ الموضوع»

آل احمد (۱۳۸۴): «یک مرتبه پرید توی حرفم»

عبدالمنعم (۲۰۰۱): «حتى قطعَ كلامي فجأةً»

---

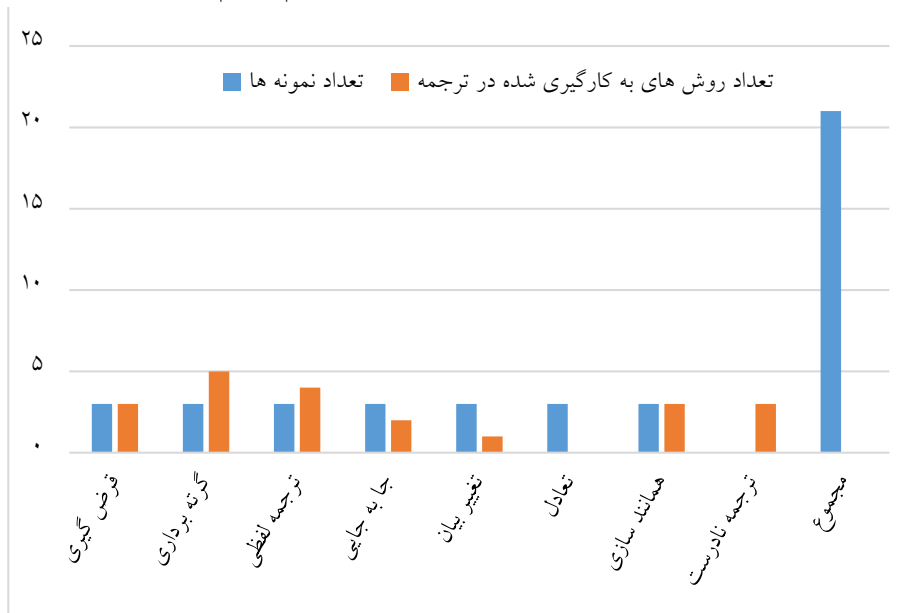
1- Adaptation

آل احمد (۱۳۸۴): «بی مدیر هم می‌تواند گلیم مدرسه را از آب بکشد»  
عبدالمنعم (۲۰۰۱): «یستیطعُ أنْ یُدیرَ دَفَّةَ المَدْرِسَةِ دُونَ اَدْنَى احتیاجِ لِمدیرِ لَهَا»

یکی دیگر از روش‌های وینه و داربلینه در ترجمه، روش همانندسازی است. به اعتقاد اغلب صاحب‌نظران این بخش «هنگامی که یک نماد، ضرب‌المثل یا کنایه در هر دو زبان مبدأ و مقصد هم از نظر بازتاب مفهومی و هم از نظر شکل و تصویر احساسی و عاطفی به کار گرفته شده یکسان باشد، جایگزینی معادل دقیق و همسنگ آن در زبان مقصد در اولویت قرار می‌گیرد (نصیری، ۱۳۹۰). در مثال اول، مترجم برای پاره گفته «قضیه حل شد» در زبان عربی از معادل «فهمتُ الموضوع» استفاده کرده است که با توجه به عناصر زبانی متن اصلی و بافت و ساختار زبان مقصد، بهترین معادل از سوی مترجم برگزیده شده است. در مثال دوم، همانندسازی به صورت «قطع کلامی فجأة» به جای پاره گفته «یک مرتبه پرید توی حرفم» استفاده شده است که مترجم با به کارگیری معادل و برابر نهاد مناسب برای آن در زبان مقصد از ترجمه تحت‌اللفظی پرهیز کرده و ترجمه‌ای رسا و شیوا ارائه کرده است. در مثال سوم نیز عبارت اصطلاحی «گلیم خود را از آب بیرون کشیدن» در زبان فارسی به معنای توانایی بر آمدن از انجام کاری است که مترجم با استفاده از برابر نهاد متناسب با این اصطلاح در زبان مقصد موفق به انتقال پیام مورد نظر شده است. همانندسازی در این اصطلاح با جایگزین ساختن عبارت «آن یدیر دفة المدرسة» به جای عبارت «گلیم مدرسه را از آب می‌کشد» انجام شده است. بنابراین، می‌توان گفت مترجم در این قسمت و در هر سه مورد بیان شده برای پاره گفته‌های فارسی معادل‌های مناسب و دقیق با عناصر فرهنگی و دیدگاه خاص زبان مقصد برگزیده و مؤلفه همانندسازی را به خوبی در زبان مقصد رعایت کرده است. مترجم برای رعایت همانندسازی به ارزش‌های فکری خود که برگرفته از نگرش هم‌زبانانش است از محدوده وفاداری به پیام متن اصلی و انتقال آن به مخاطب خارج نشده است (شهبازی و پارسایی پور، ۱۳۹۸).

به طور کلی، برابر نهادی انتخاب شده توسط مترجم در زبان عربی محاوره‌ای بوده و مورد استفاده قرار می‌گیرد و مخاطب می‌تواند با آن‌ها انس گرفته و ارتباط برقرار کند. نمودار (۱) آمار روش‌های استفاده شده در ترجمه مترجم را نشان می‌دهد.

نمودار ۱. وضعیت روش‌های استفاده شده در ترجمه عادل عبد المنعم سویلم از رمان مدیر مدرسه



ترجمه عربی عادل المنعم سویلم از بخش‌های انتخابی بیشتر متکی به روش وام‌گیری، گزیده‌برداری و ترجمه تحت‌اللفظی است. از مجموع ۲۱ مورد برگزیده شده جهت بررسی براساس مدل وینه و داربلینه، مترجم ۵ مورد را براساس روش گزیده‌برداری، ۴ مورد را براساس ترجمه تحت‌اللفظی ترجمه کرده است که بیشترین سهم را در بین سایر روش‌ها دارند. مترجم ۱۲ مورد دیگر را به ترتیب براساس روش قرص‌گیری (۳ مورد)، همانندسازی (۳ مورد)، جابه‌جایی (۲ مورد)، تغییر بیان (۱ مورد) ترجمه کرده است. ۳ مورد از ۱۲ مورد باقی را مترجم به صورت اشتباه و نامفهوم به زبان مقصد انتقال داده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این جستار با ارزیابی ترجمه عادل عبد المنعم دریافتیم که تلاش او برای ارائه یک ترجمه روان مبتنی بر تکنیک‌های مطرح شده در ترجمه غیرمستقیم و پایبندی به عناصر زبان مقصد است؛ به طوری که معانی و پیام متن اصلی را در اکثر موارد ذکر شده به زبان مقصد منتقل کرده است. در برخی موارد نیز از انتقال پیام و محتوای زبان اصلی به زبان مقصد چشم‌پوشی کرده و متکی به ترجمه مستقیم و لغوی شده که این امر ممکن است ناشی از ضعف مترجم



در یافتن معادل در زبان مقصد و شناخت ناکافی از برخی از عناصر فرهنگی و پایه‌های اولیه در زبان فارسی و واژگان و تعابیر اصطلاحی باشد.

عادل عبدالمنعم سویلم در روش‌های جابه‌جایی و همانند سازی در مقایسه با سایر روش‌های وینه و داربلینه نسبت به قالب‌های معنایی زبان مبدأ و حفظ ساختارهای زبان مقصد بیشتر پایبند بوده است. مترجم در روش معادل‌یابی برای برخی از تعابیر اصطلاحی و کنایات بیشتر از ترجمه گرده برداری یا ترجمه لفظی بهره جسته است و در روش ترجمه لفظ به لفظ، وام‌گیری و گرده برداری بیشتر به ساخت ظاهری متن اصلی و رعایت امانت پایبند بوده است. مترجم در روش تغییر بیان با تغییر دادن ساختار و صورت واژگان و عبارات زبان مبدأ و قالب‌ریزی آن‌ها بر اساس زیرمجموعه‌های بیان شده برای این مجموعه توانسته است دو مورد از سه مورد انتخاب شده را به درستی به زبان مقصد انتقال دهد بدون آن که محتوای کلام آسیب ببیند.

### تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

### ORCID

Ali Akbar Noresideh  
Masoud Salmani Haghghi



<http://orcid.org/0000-0002-1158-1395>  
<http://orcid.org/0000-0003-3898-5987>

### منابع

آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۸). *راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی*. تهران: انتشارات توس.

اسماعیلی طاهری، احسان، میراحمدی، سیدرضا و بخشش، مقصود. (۱۳۹۷). واکاوی ترجمه گرمارودی از نامه امام علی (ع) به مالک اشتر بر پایه راهکارهای هفت گانه وینه و داربلینه. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۵(۹)، ۱-۲۳.

آل‌احمد، جلال. (۱۳۸۴). *مدیر مدرسه*. تهران: انتشارات معین.

\_\_\_\_\_ (۲۰۰۱). *مدیر المدرسة*. ترجمه عادل عبدالمنعم سویلم. قاهره: مکتبه الإسکندریه.

خزاعی فر، علی. (۱۳۷۰). تکنیک‌های هفتگانه ترجمه ۲. مترجم، ۱(۴)، ۳۷-۴۱.

- شهبازی، علی اصغر و پارسایی پور، مصطفی. (۱۳۹۸). بررسی تعریب داستان شاه و کنیزک مثنوی با تکیه بر الگوی وینه و داربلینه (مورد پژوهی مقایسه ترجمه منظوم هاشمی و جواهری). *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۰(۲۳)، ۲۳۸-۲۶۸.
- صحرايي نژاد، فهيمه. (۱۳۸۹). نگاهی دوباره به تعديل در ترجمه. *مطالعات ترجمه*، ۸(۳۱)، ۵-۲۴.
- عزيز محمدی، فاطمه. (۱۳۸۲). بررسی برخی فرآیندهای رایج قرض گیری در زبان فارسی. *علوم اطلاع‌رسانی*، ۱۸(۱ و ۲)، ۷۱-۷۴.
- غفرانی، محمد و آیت‌الله‌زاده شیرازی، سید مرتضی. (۱۳۹۲). *فرهنگ اصطلاحات روز فارسی به عربی*. ج ۲۳. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ماندی، جرمی. (۱۳۹۴). *معرفی مطالعات ترجمه: نظریه‌ها و کاربردها*. ترجمه علی بهرامی و زینب تاجیک. تهران: رهنما.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *درآمدی بر مطالعات ترجمه: نظریه و کاربردها*. ترجمه الهه ستوده‌نما و فریده حق‌بین. تهران: نشر علم.
- مجیدی، حسن و قشلاقی، مدینه. (۱۳۹۱). بررسی اصول زبانی واژگانی و محتوایی ترجمه مکتوب. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۲(۵)، ۱۸۲-۲۰۱.
- معروف، یحیی. (۱۳۸۵). *فرهنگ مطبوعات عربی الهدی عربی به فارسی*. ج ۱. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
- معصوم، سید محمد و کمیلی دوست، هایده. (۱۳۸۹). بررسی شیوه‌های معادل‌یابی واژگانی در ترجمه متون تبلیغاتی و تجاری از انگلیسی به فارسی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۲(۲)، ۹۳-۱۱۴.
- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۸۱). *غلط‌نویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)*. ج ۱۴. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نجفی‌ایوکی، علی و میراحمدی، رضا. (۱۳۹۵). *فرهنگ تعابیر متداول*. ج ۲. کاشان: انتشارات دانشگاه کاشان.
- نصیری، حافظ. (۱۳۹۰). *روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه شده از عربی به فارسی*. تهران: سمت.
- نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب. (۱۳۹۷). *الگوهای ارزیابی ترجمه با تکیه بر زبان عربی*. تهران: انتشارات سمت.
- نیازی، شهریار، یوسفی، عطیه و امیری فر، محمد. (۱۳۹۸). *واکاوی بخشی از ترجمه رمان الشحاذ براساس الگوی نظری وینه و داربلینه*. *زبان پژوهی*، ۱۱(۳۰)، ۵۰-۷۰.
- هاوس، جولیان. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر مطالعات زبان و ترجمه*. ترجمه علی بهرامی. تهران: رهنما.

## References

- Al-Ahmad, J. (2005). *School Principal Novel*. Tehran: Moein Publications. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2001). *Director of the School*. Translated by Adel Abdul Moneim Sulaym. Cairo: Alexandria School. [In Persian]
- Azarnoosh, A. (2009). *Ways of Persian Influence in the Culture and Language of Pre-Islamic Arabic*. Tehran: Toos Publications. [In Persian]
- Aziz Mohammadi, F. (2003). Study of some Common Borrowing Processes in Persian. *Information Science*. 18(1&2). 71-74. [In Persian]
- Ghofrani, M., Ayatollah Zadeh Shirazi, S. M. (2013). *Dictionary of Persian to Arabic Terminology*. 23 Edition. Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
- House, J. (2009). *Introduction to Language Studies and Translation*. Translated by Ali Bahrami. Tehran: Rahnama. [In Persian]
- <http://www.top-forum.ir/threads/95460/page-11> [In Persian]
- Ismaili Taheri, E., Mirahmadi, S. R., Bakhshesh, M. (2015). Analysis of Garmaroodi translation of Imam Ali (AS) letter to Malik Ashtar based on the seven strategies of Winnie and Darblaneh. *Journal of Quranic and Hadith Translation Studies*. 5(9). 1-23. [In Persian]
- Khazaeifar, A. (1991). Weekly Translation Techniques 2. *Translator Quarterly*. 1(4). 37-41. [In Persian]
- Majidi, H. and Gheshlaghi, M. (2012). Study of lexical principles and content of written translation. *Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*. 2(5). 182-201. [In Persian]
- Mandi, J. (2015). *Introduction to Translation Studies: Theories and Applications*. Translated by Ali Bahrami and Zeinab Tajik. Tehran: Rahnama. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2010). *An Introduction to Translation Studies: Theory and Applications*. Translated by: Elahe Sotoudeh Nema and Farideh Haghbin. Tehran: Alam Publishing. [In Persian]
- Maroof, Y. (2006). *Culture of Arabic Al-Huda Arabic Press in Persian*. 1 Edition. Kermanshah: Razi University Press. [In Persian]
- Masoom, S. M. and Kamili Doust, H. (2010). Study of Lexical Equivalence Methods in Translating Advertising and Commercial Texts from English to Persian. *Journal of Language and Translation Studies*. 2(42). 93-114. [In Persian]
- Najafi Ayouki, A., Mirahmadi, R. (2016). *Culture of Common Interpretations*. 2 Edition. Kashan: Kashan University Press. [In Persian]
- Najafi, A. (2002). *Do not write wrong (Persian language culture difficulties)*. 14 Edition. Tehran: University Publishing Center. [In Persian]
- Nasiri, H. (2011). *Method of Evaluation and Quality Assessment of Texts Translated from Arabic to Persian*. Tehran: Samat. [In Persian]
- Niazi, S. and Ghasemi Asl, Z. (1397). *Patterns of Evaluation of Translation based on Arabic Language*. Tehran: Samat Publications. [In Persian]
- Niazi, Sh., Yousefi, A., Amirifar, M. (1398). Analysis of a part of the Translation of the Novel Al-Shahad based on the Theoretical Model of Winnie and Darblaneh. *Journal of Linguistics*. 11(30). 50-70. [In Persian]

- Sahrainejad, F. (2010). A New Look at Modification in Translation. *Translation Studies*. 8(31). 5-24. [In Persian]
- Shahbazi, A. A. and Parsaeipour M. (1398). A Study of the Interpretation of the Story of the Shah and the Maiden of Masnavi Based on the Winnie and Darblneh Model (a Comparative Case Study of the Translation of Hashemi and Javaheri Poems). 10(23). 238-268. [In Persian]
- Vinay, J-p., Darbenlent, J. (1995). *Comparative Stylistics Of French And English: A Methodology For Translation*. Paris: Didier.

---

**استناد به این مقاله:** نورسیده، علی اکبر، سلمانی حقیقی، مسعود. (۱۴۰۰). نقد ترجمه عربی عادل عبد المنعم سوایلم از رمان «مدیر مدرسه» در پرتوی نظریه وینه و داربلینه. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۱ (۲۴)، ۲۷۱-۲۹۸. doi: 10.22054/rctall.2021.62692.1577



Translation Researches in the Arabic Language & Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.